فراماسونری حکومتی جدید از جانب شیاطین برای فرعونیان

فراماسونری چیست؟ می توان گفت این سؤالی است که افراد بسیاری قادر به پاسخ دادن نیستند و یا اطلاعات دقیقی در این رابطه ندارند. این در حالی است که این تشکیلات و اعضای آن، نقش مهمی در تاریخ داشته‌اند و شناخت این تشکیلات، برای ما مسلمانان امری لازم و ضروری است. کلمه‌ی ماسون یعنی بنّا، فراماسون یعنی بنّای آزاد. ماسونری یک تشکیلات منظم جهانی است که بر ارکان دولت‌های جهان و اکثر وجوه زندگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جوامع، سلطه یافته است و بسیار هم آزادانه عمل می‌کند. کسی که عضو فراماسونری است، ماسون یا فراماسون نامیده می‌شود. ساختمانی که مرکز فعالیت ماسونهاست لژ نام دارد. یکی از بزرگ‌ترین اهداف گروه‌های ماسونی این است که زمینه را برای حکومت فردی از بین ماسون‌ها با عنوان نمادین ضد مسیح، یا به تعبیر بعضی از گروه‌های ماسونی، فرعون جدید آماده کنند. فراماسونری جمعیتی سرّی است که کسی به راحتی نمی‌تواند در حریم آن نفوذ کند و اگر هم راه یافت، مکلف است اسرار آن را مکتوم نگه‌دارد؛

اما با این وجود، کسانی توانستند به حریم آن نفوذ کنند و به اسناد و مدارک مهمی دست یابند و موفق به کشف و افشای اسرار آن‌ها شوند. همه‌ی این افراد متفق الرأی هستند که: «مسئله یک توطئه است که این توطئه از اواخر قرن هجدهم آغاز شده و تا به امروز هم با موفقیت تمام ادامه دارد و هدف نهائی آن ایجاد یک حکومت جهانی «شیطانی» است و برای پیاده کردن آن در سراسر عالم، به یک مبارزه وسیع و بی‌امان دست زده‌اند.»

فراماسونری عمده‌ی تعلیمات خود را از حکومت طاغوتی و شیطانی مصر باستان کسب کرده است، هر چند تعالیم اندکی نیز از بقیه‌ی حکومت‌های الحادی فراگرفته است. در هر صورت رد پای حکومت طاغوتی فرعون‌های مصر باستان را می‌توان در سراسر تعالیم ماسونی یافت. شواهدی که بر این مدعا صحه می‌گذارند، به قرار زیرند:

۱ – نقوش اهرام، مجسمه‌های ابوالهول و هم‌چنین نوشته‌های هیروگلیف در سراسر لژها و نشریات ماسونی به چشم می‌خورد.

۲ – دعاهایی که فراماسون‌ها می‌خوانند، مملو از عبارات مصری است که در زمان فراعنه استفاده می‌شد. برای نمونه: (مَعَت نِب مِن آ، مَعَت بَ آ = بزرگ است استاد فراماسونری ، بزرگ است روح فراماسونری)

۳ – یکی از نمادهایی که در فراماسونری کاربرد فراوان دارد، علامت و نماد «چشم جهان بین» است که به صورت یک هرم و چشم در انتهای آن می‌باشد. این نماد مربوط به یکی از خدایان مصر باستان بوده است.

علامت معروف فراماسونری چشم horus یا چشم (raخدای خورشید) در مصر باستان – «ستاره‌ی شش گوش» علامت و نماد بحث برانگیز فراماسونها.

این علامت در افکار عمومی به عنوان نماد «یهودی‌ها. شناخته شده است و به آن «ستاره‌ی داوود» یا «مهر سلیمان» هم می‌گویند؛ ولی در حقیقت این نماد هم جزء نمادهای الحادی بوده که بر اساس تفکرات الحادی مصر باستان ساخته شده است و نماد تعادل طبیعت بین زن و مرد، طبع سرد و گرم، الهه‌های ماه و خورشید و.... است.

البته علامت مذکور در مکتب‌های الحادی دیگر، مانند هندوییسم و دیگر مکتب‌های شرقی نیز با مفاهیم مشابهی به کار می‌رود. نکته‌ی مهم این است که این تفکر تعادل عالم خلقت، متفاوت با دیدگاه اسلام است. در اسلام نیز مفهوم تعادل وجود دارد، اما در دیدگاه اسلامی، این تعادل مخلوق خداوند یکتاست. امّا در مکاتب شرک آمیز نامبرده، این تعادل را خدایان مختلفی با کمک هم ایجاد کرده‌اند. برای مثال در تفکر مصر باستان، از امتزاج قدرت خدایانIsis و Osiris، تعادل در عالم خلقت ایجاد شده است.

ستاره ۶ گوشه: نماد تعادل خلقت از دیدگاه مکاتب شرک آمیزنکته‌ی عجیبی که وجود دارد، این است که شیطان پرستان نیز علامت مذکور را قویترین علامت خود می‌دانند و از آن در مراسم شیطانی خود استفاده می‌نمایند. در کتاب « :Web of Darknessشبکه‌ی تاریکی» اثر Sean Sellars(شیطان پرست معروف) در زیر این علامت نوشته شده است: «این علامت، قوی‌ترین علامت در شیطان پرستی است.

ستاره‌ی شش گوشه از شش ضلع، شش گوشه (زاویه) و شش مثلث کوچک درست شده است که معرّف عدد ۶۶۶ می‌باشد.» این عدد در بین مسیحیان و نیز شیطان پرستان عددی ویژه و خاص است و نشان دهنده‌ی دجال یا می باشد.

هدف اصلی شیطان پرستان و فراماسون‌ها به حکومت رساندن دجال است؛ به همین دلیل است که ستاره‌ی شش گوش، بهترین و قوی‌ترین نمادشان محسوب می‌شود.

در ادامه در کتاب نوشته شده است که حتی کلمه‌ی « «hexکه در زبان انگلیسی به معنی نفرین و تلاش برای آسیب رساندن می‌باشد، از کلمه‌ی « :HEXAGRAMستاره‌ی شش گوش» گرفته شده است.»

۵ – افسانه‌ی ایزس ((Isisیا زن بیوه، نیز از دوران مصر باستان اقتباس شده است. فراماسونها اعتقاد دارند که تمام ماسونها فرزندان زن بیوه می‌باشند. همان طور که ذکر شد در باور مصریان قدیم، Isis و Osiris الهه‌های مصر باستان بودند که در اثر ازدواج آنان تعادل طبیعت به وجود آمد. بعد از مدتی Osiris مرد و خدای شهرهای مردگان گشت. بدین ترتیب Isis بیوه شد. علامت آنخ Ankh که نماد Isis است و در لژهای ماسونی به کار می‌رود. این علامت امروزه به عنوان سمبل جنس زن و نشانه‌ی فمینیست‌ها Feminists نیز به کار می‌رود. رواج تفکر فمینیستی در جهان نیز مشکوک بوده و احتمالاً توطئه‌ای از جانب ماسون‌ها می‌باشد. (فمینیسم دیدگاه تساوی حقوقی زن و مرد اسلام و سایر ادیان الهی را قبول ندارد و به بهانه‌ی احقاق حقوق زنان، در جهت اهداف استعماری قدم برمی دارد.)

۷ – ستون سنگی با نوک هرمی: این نماد که نماد زایندگی و باروری در مصر باستان بوده است، در بناهای ماسونی متعددی به کار رفته است.

همان گونه که دیدیم، منشاء فراماسونری به زمان مصر باستان و فراعنه باز می‌گردد. سؤالی که مطرح می‌شود این است که چگونه این تعالیم به آمریکا و اروپای این دوران راه پیدا کرد و چگونه اوج گرفت؟

با مرور در سیر فراماسونری خواهیم دید که عامل گسترش، بنی اسرائیل بوده است. ترتیب وقایعی که به اوج گیری فراماسونری منجر شدند، عبارتند از :

۱ – افول قدرت مصر و نابود شدن فرعون با خواست خداوند متعال و به دنبال رسالت حضرت موسی (ع).

۲ – مهاجرت بنی اسرائیل از مصر به فرمان خدا به همراه حضرت موسی (ع) و ساکن شدن آنان در صحرای سینا.

۳ – گوساله پرستی بنی اسرائیل و سپس بازگشت مجدد به دین خدا: به دنبال تأخیر چند روزه‌ی حضرت موسی (ع) که برای دریافت پیام خدا، به کوه طور رفته بودند، بنی اسرائیل شروع به پرستش گوساله‌ی سامری کردند و حضرت موسی پس از بازگشت، این گوساله را از بین بردند و بنی اسرائیل دوباره خداپرست شدند.

۴ – پس از درگذشت حضرت موسی(ع)، پیامبران دیگری نیز به سمت قوم بنی اسرائیل فرستاده شدند که هیچکدام قدرت حضرت موسی(ع) را نداشتند، در نتیجه قوم بنی اسرائیل به تدریج شروع به ترویج تعالیم ماسونی مصری کردند. در واقع عده‌ای از آنان قبلاً این تعالیم را در مصر فراگرفته بودند.

۵ – ترویج تعالیم ماسونی در بین بنی اسرائیل و اضافه شدن تعالیم شرک آمیز فلسطینیان باستان (نه اعراب فلسطینی) به تعالیم مصری و شکل گیری تعالیم مختلط با نام کابالا.

۶ – حکومت حضرت داوود (ع) و حضرت سلیمان (ع) در اوج قدرت بنی اسراییل و توقیف وسایل جادوگری توسط حضرت سلیمان (ع).

۷ – وفات حضرت سلیمان (ع) و بازپس گیری وسایل جادوگری از سوی جادوگران و تهمت جادوگری به حضرت سلیمان (ع) از جانب مردم بنی اسراییل.

۸ – ادامه‌ی ترویج کابالا توسط جادوگران و کاهنان معابد.

۹ – تسخیر اورشلیم به دست رومیان: به این ترتیب بنی اسرائیل توانائی حکومت بر خود را از دست دادند و تحت سلطه‌ی رومیان درآمدند.

۱۰ – ظهور حضرت عیسی(ع) و آزار رساندن یهودیان به ایشان.

۱۱ – ظهور حضرت محمد(ص) که ایشان هم از آزار بنی اسرائیل در امان نبودند.

۱۲ – فتح اورشلیم به دست ایرانیان که در زمان رسالت حضرت محمد (ص) اتفاق افتاد.

۱۳ – باز پس گیری اورشیلم توسط رومیان.

۱۴ – فتح اورشلیم به دست مسلمانان. از آن پس نام آن شهر به «بیت المقدس» تغییر یافت.

۱۵ – جنگ‌های صلیبی و رد و بدل شدن بیت المقدس بین مسلمانان و صلیبیان.

۱۶ – در پی اشغال قدس توسط صلیبیان، بسیاری از شوالیه‌ها و سربازان در قدس ساکن شدند. عده‌ای از این شوالیه‌ها. مأمور نگهبانی از معابد مخصوصاً معبد موسوم به معبد سلیمان شدند که اینان شوالیه‌های معبد نامیده می‌شدند.

در نتیجه‌ی این مجاورت و نزدیکی شوالیه‌ها با کاهنان یهودی معبد موسوم به معبد سلیمان، آنان به تدریج تعالیم ماسونی را از یهود یاد گرفتند.

۱۷ – باز پس گیری بیت المقدس توسط مسلمانان و فرار صلیبیان و شوالیه‌های معبد به اروپا.

۱۸ – با فرار شوالیه‌های معبد، تعالیم ماسونی کابالا توسط همین شوالیه‌ها به اروپا راه یافت.

۱۹ – به دلیل ماهیت شیطانی تعالیم کابالا و مغایرت آن‌ها با تعالیم کلیسا، واتیکان در صدد مجازات و مقابله با شوالیه‌های معبد برآمد و بسیاری از آن‌ها را اعدام کرد.

۲۰ – مهاجرت شوالیه‌ها به اسکاتلند (در آن زمان پادشاه اسکاتلند از واتیکان تبعیت نمی‌کرد) و شروع ساخت اولین لژ فراماسونری مخفی در اروپا با نام لژ «وال بیلدرز» یا «لژ کهن اسکاتلند» که امروزه نیز به فعالیت خود ادامه می‌دهد و از جمله قویترین و مهمترین لژها در اروپای امروز نیز می‌باشد.

۲۱ – آغاز فعالیت رسمی ماسون‌ها در اروپا با ساختن لژهای متعدد در قرن ۱۸. با کم رنگ شدن نقش و قدرت مذهب در قرن ۱۸، فراماسونها فعالیت رسمی خود را آغاز کردند. به تدریج با کاهش سختگیری واتیکان و توسعه‌ی پروتستانیسم در اروپا، فراماسون‌ها فعالیت خود را افزایش داده و لژهای زیادی را در سراسر اروپا ساختند؛ البته تمام آداب و رسوم فراماسونها کماکان مخفی و پنهانی صورت می‌گرفت.

زیرا تفکر اکثر مردم اروپا در آن زمان مذهبی بود و در صورت علنی شدن عقاید فراماسونری، حیات این لژها به خطر می‌افتاد.

۲۲ – با استقلال آمریکا در سال ۱۷۸۹، اولین دولت با ارکان ماسونی شکل گرفت.

۲۳ – تأسیس سازمان ملل متحد با آرمانهای ماسونی در سال ۱۹۴۵.

۲۴ – شکل گیری اسرائیل در سال ۱۹۴۸ به عنوان آخرین بازوی اجرایی فراماسونری.

۲۵ – در سیر تاریخی فراماسونری و روند پیشبرد اهداف، به سال ۲۰۰۶ می‌رسیم.

جنگ با حزب الله در سال ۲۰۰۶ برای رسیدن به چند هدف مهم انجام شد: تشکیل حکومت نیل تا فرات سلیمان و استارت برای پروژه‌های (= Apocalypse آخرالزمان، و = Armageddon جنگی که صهیونیست‌ها ادعا می‌کنند جنگ آخرالزمان است.) خوشبختانه این پروژه‌ها موقتاً ناتمام مانده است.

۲۶ – و اقدام اخیر، کشمکش لفظی با ایران . چرا که ایران بزرگ‌ترین دشمن فراماسونری در جهان است. در حال حاضر در تمامی کشورهای جهان، یا قدرت در دست ماسون‌هاست و یا آن کشور تحت تأثیر کشورهای ماسونی است. برای مثال در کشورهای همسایه، کشور ترکیه دارای لژهای ماسونی است و کشور عربستان هم که عاری از لژ است، تحت تاثیر آمریکا و اسراییل (دولتهای با ارکان ماسونی) می‌باشد.

۲۷ – ... و الله العالم.

گروه‌های مختلف ماسونی بعضاً فلسفه‌ی عقیدتی متفاوتی دارند؛ اما با این حال در لا به لای عقایدشان، می‌توان مشترکات فراوانی نیز یافت. نکته‌ی مهمی که وجود دارد این است که فلسفه‌ی وجودی بسیاری از عقاید ماسونی به طور کامل شناخته نشده است، اما این به معنای عدم وجود این اعتقادات نیست. برای مثال شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد اکثر گروه‌های ماسونی، شیطان را تقدیس می‌کنند. از جمله: اذعان خود آن‌ها به تقدیس لوسیفر (یکی از نام‌های شیطان) و یا استفاده از علایم بی‌شماری که اکثر آن‌ها توسط گروه‌های شیطان پرست نیز استفاده می‌شوند؛ با این اوصاف ما می‌توانیم بفهمیم که ماسون‌ها شیطان پرست نیز هستند.

اما هنوز نمی‌دانیم که چه عاملی آنان را به این تفکر سوق داده است. (البته این نکته تقریباً اثبات شده است که ماسون‌ها و شیطان پرستان به موجودی به نام ابلیس یا شیطان اعتقاد ندارند، بلکه آن‌ها بزرگداشت شیطان را به عنوان نمادی برای مخالفت با ادیان انجام می‌دهند. در هر صورت، علت لجاجت بیش از حد آن‌ها با دین و اصرار افراطی آن‌ها بر بزرگداشت شیطان به عنوان نماد ضد دینی، کاملاً روشن نشده است.) نکته‌ی دیگر این که بسیاری از گروه‌های ماسونی شیطان پرست، الهه‌های ملل باستان را نیز ارج می‌نهند. از جمله: Isis و Osirisو... که این مطلب کاملاً اثبات شده است. اما ما نمی‌دانیم که چرا آنان خداوند یکتا را کنار گذاشته و هم شیطان و هم الهه‌های متعدد را بزرگ می‌دارند؟!

با این حال بخشی از عقاید ماسون‌ها که کاملاً اثبات شده‌اند، عبارتند از:

ادعای روشنی بخش بودن شیطان

بزرگداشت شیطان و نمادهای شیطانی

اعتقاد به این‌که زن و مرد اولیه، که مقام نیمه خدایی دارند، خالق نسل کره‌ی زمین هستند نه خداوند یکتا.

بزرگداشت الهه‌های ملل باستان، مانند ایزس، لات و ... و احترام به عقاید جاهلی ملل باستان.

اعتقاد قوی به آداب و رسوم مصر باستان که این مطلب کفرآمیز و شرک آمیز بودن عقاید آن‌ها را توأماً نشان می‌دهد.

اعتقاد فراوان به اومانیسم.

اعتقاد فراوان به ماتریالیسم (ماده گرایی) و عدم اعتقاد به روح و مسایل فرامادی.

اعتقاد راسخ به سلیمان نه به عنوان نبی بلکه به عنوان پادشاه، جادوگر و ماسون اعظم. نکته‌ی جالب این که اکثر یهودیان نیز چنین اعتقادی دارند. آیه‌ی ۱۰۲ سوره‌ی بقره نیز اشاره به همین مطلب دارد.

«خداوند نیز در آیه‌ی ۱۰۲ سوره‌ی بقره درباره‌ی بنی اسراییل می‌فرماید:

وَاتَّبَعُواْ مَا تَتْلُواْ الشَّيَاطِينُ عَلَى مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَ-كِنَّ الشَّيْاطِينَ كَفَرُواْ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ....... و پیروی کردند از سخنانی که شیاطین در قلمرو سلیمان می‌خواندند وهرگز سلیمان به خدا کافر نگشت ولیکن شیاطین کافر شدند و سحر به مردم می‌آموختند ......»

کتاب تفسیر نمونه درباره‌ی آیه‌ی ۱۰۲ سوره‌ی بقره می‌نویسد:

در زمان سلیمان پیامبر، گروهی در کشور او به عمل سحر و جادوگری پرداختند, سلیمان دستور داد تمام نوشته‌ها و اوراق آن‌ها را جمع آوری کرده، در محل مخصوصی نگهداری کنند. پس از وفات سلیمان، گروهی آن‌ها را بیرون آورده و شروع به اشاعه و تعلیم سحر کردند؛ بعضی از این موقعیت استفاده کرده و گفتند: سلیمان اصلاً پیامبر نبود، گروهی از بنی اسرائیل هم از آن‌ها تبعیت کردند و سخت به جادوگری دل بستند، تا آن‌جا که دست از تورات نیز برداشتند. هنگامی که پیامبراسلام (ص) ظهور کرد و ضمن آیات قرآن اعلام نمود سلیمان از پیامبران خدا بوده است، بعضی از احبار و علمای یهود گفتند: از محمد تعجب نمی‌کنید که می‌گوید سلیمان پیامبر است؟

این گفتار یهود، علاوه بر این که تهمت و افترای بزرگی نسبت به این پیامبر الهی محسوب می‌شد، لازمه‌اش تکفیر سلیمان (ع) بود. به هر حال این آیه فصل دیگری از زشتکاریهای یهود را معرفی می‌کند که پیامبر بزرگ خدا، سلیمان را به سحر و جادوگری متهم ساختند، می‌گوید: «آن‌ها از آن‌چه شیاطین در عصر سلیمان بر مردم می خواندند، پیروی کردند: واتبعوا ما تتلوا الشیاطین علی ملک سلیمان». سپس قرآن به دنبال این سخن اضافه می‌کند: «سلیمان هرگز کافر نشد: و ماکفر سلیمان». او هرگز به سحر توسل نجست ، و از جادوگری برای پیشبرد اهداف خود استفاده نکرد، «ولی شیاطین کافر شدند، و به مردم تعلیم سحر دادند: ولکن الشیاطین کفروا یعلمون الناس السحر». علاقه‌ی افراطی به علوم طبیعی. تعداد زیادی از برندگان جوایز نوبل و دانشمندان علوم طبیعی، ماسون بوده‌اند. مانند: الکساندر فلمینگ کاشف پنی سیلین، و ادوارد جنر کاشف واکسن آبله.

در این میان به نظر می‌رسد که علاقه و توجه افراطی ماسون‌ها به علم، برای پر کردن خلاء ناشی از کنار گذاشتن معنویت انجام می‌گیرد. البته لازم به ذکر است که در دین اسلام هم تأکید زیادی بر فراگیری علم و دانش شده است، اما از مسلمانان خواسته شده تا به صورت معتدل (نه افراط، نه تفریط) به علم بپردازند و از آن به عنوان ابزاری برای رسیدن به خدا استفاده نمایند. بنابراین در اسلام، علم هدف نیست بلکه یک وسیله است، اما در فراماسونری علم خود یک هدف است. اعتقاد به قدرت برتر در ماسون صاحب درجه ۳۳. گروه‌های ماسونی ۳۳ مرتبه و ۳۳ درجه دارند. شخصی که به درجه‌ی ۳۳ می‌رسد ، قدرت زیادی داشته و ماسون اعظم نامیده می‌شود.

این شخص بالاترین مقام لژ را در اختیار دارد. اعتقاد به ساخت معبد سلیمان به عنوان پایتخت عقیدتی در بیت المقدس قبل از ظهور ضد مسیح یا فرعون جدید که منجی شیطانی ماسون‌هاست. اعتقاد به ظهور ضد مسیح (= دجال) یا فرعون جدید در ابتدای (دهه‌ی اول) قرن ۲۱ و شروع حکومت جهانی شیطانی توسط او. در هر حال جا دارد که در این قسمت به این نکته اشاره کنیم که گروه‌هایی مانند فراماسونرها و شیطان پرستان، از شیطان پرستی به عنوان یک نماد برای مبارزه با ادیان استفاده می‌کنند . اعضای این گروه‌ها در واقع هیچ اعتقاد قلبی به مسایل فرازمینی مانند خدا، فرشتگان، شیطان و ... ندارند و معتقدند که تنها ماده وجود خارجی دارد. (اعتقاد به ماتریالیسم) اعضای این گروه‌ها برای نشان دادن دشمنی خود با مذاهب، از نماد که مربوط به شیطان پرستان باستان است، استفاده نموده و از آن برای نشان دادن بی‌اعتقادی خود به عالم آخرت بهره می‌جویند.

البته لازم به ذکر است که فراماسون‌ها و شیطان پرستان، خودشان نیز به این مسأله اعتراف کرده‌اند؛ تا آن‌جا که در بعضی از کتب شیطان پرستان، مطالب زیر به چشم می‌خورد: اعتراف سایت کلیسای شیطان به عدم اعتقاد واقعی به شیطان. ترجمه مطلب چنین است: شیطان پرستی یک مذهب لا مذهبی همچون بودیسم است! مذهبی که در آن نیازی به توضیح هیچ کدام از کارهایمان به هیچ کس نداریم. شیطان پرستی اعتقادی به وجود خدا , فرشتگان , بهشت و جهنم , ابلیس , اهریمن , ارواح شیطانی , ارواح خوب , جن, دیو و ... ندارند. اعتراف سایت کلیسای شیطان به عدم اعتقاد واقعی به شیطان.

ترجمه مطلب چنین است: شیطان پرستی لامذهبی است ... خود پرستی است - ما خودمان را می‌پرستیم ... شیطان پرستی ماده گرایی است ... شیطان پرستی بی‌دینی است. "توصیف شیطان پرستی" بدین ترتیب نتیجه می‌شود که اعتقاد و مسلک واقعی ماسون‌ها و شیطان پرستان، بی‌دینی است و آن‌ها از الهه‌های ملل باستان، بت‌ها و شیطان، به عنوان نمادی برای دشمنی با مذاهب و ادیان استفاده می‌کنند. علاوه بر علاماتی که در قسمت‌های قبلی ذکر شد، علامات دیگر و اعداد خاصی مورد توجه فراماسون‌ها و دیگر گروه‌های شیطان پرست هستند که اکثر آن‌ها نیز منشاء مصری دارند، هرچند علامت‌هایی نیز از دیگر عقاید الحادی ملل باستان از جمله آریایی‌های قدیم (نه دین زرتشت) ، شرق دور و... اقتباس شده‌اند.

مهمترین آن‌ها عبارتند از:

۱) پرگار و گونیا (یکی از مهمترین و معروفترین علامات).

در وسط این دو علامت، حرف G قرار گرفته است. به اعتقاد فراماسونها، « Goat = بز» نماد شیطان است.

نکته‌ی جالب دیگر، این که در برخی از لژها بر روی علامت پرگار و گونیا، علامت چشم جهان بین نیز حک شده است که نشان دهنده‌ی اهمیت فوق‌العاده‌ی علامت چشم جهان بین در نزد ماسون‌ها می‌باشد.

۲) ستاره‌ی ۵ گوشه‌ی معکوس.

نشان دهنده‌ی بز می‌باشد. در بین شیطان پرستان، بز نماد شیطان است.

در قسمت پایین تصاویر زیر، عیناً عباراتی از یک سایت فعال در زمینه‌ی شیطان پرستی نقل شده است تا مستندات در اختیار شما قرار گیرد.

۳) دست شیطان یا دست شاخدار.

در تفکر ماسون‌ها و شیطان پرستان، شیطان شاخدار است و با حرکت دست خود، شیطان را نمایش می‌دهند. مستندات عیناً نقل شده است.

نکته‌ی مهم: علامت علامتی است که باید در تفسیر آن بسیار محتاطانه عمل کرد. زیرا علاوه بر معنای دست شیطان که در غرب شناخته شده است، معانی دیگری نیز دارد. برای مثال در بین ناشنوایان این علامت به معنای می‌باشد. در مناطق آذری زبان ایران و ترکیه و ... نیز این علامت نماد بوزقورت (گرگ خاکستری) می‌باشد که این نماد ، در بین آذری‌ها شناخته شده است .

بنابراین هنگامی به معنای دست شیطان است که یک فرد شنوای اروپایی یا آمریکایی در مکان‌های متعدد از این علامت استفاده می‌کند و از سوی دیگر این شخص با گروه‌های مخفی و مشکوک مرتبط است. به عبارت دیگر، هر گردی گردو نیست! برای اطلاق لفظ دست شیطان به علامت، باید هم به محل زندگی فرد، موقعیت، وضعیت جسمی، ارتباط وی با گروه‌های مشکوک و دلیل وی در استفاده از این علامت بررسی شود. در ضمن، استفاده از در کنار علایم دیگر شیطانی اهمیت دارد. در واقع این علامت تایید کننده است نه اثبات کننده.

۴) چلیپای شکسته (صلیب شکسته): علامت شناخته شده‌ی هیتلر و نازی ها.

نکته‌ی جالب این‌که این علامت در گروه‌های ماسونی هم کاربرد دارد. در شکل سمت چپ که مربوط به ماسون‌هاست، طرحی دیده می‌شود که در بالای آن علامت صلیب شکسته، و در وسط آن ستاره‌ی شش گوش مشاهده می‌گردد که این مطلب ارتباط نازیسم و صهیونیزم را نشان می‌دهد. (برخلاف ادعای جهان غرب). زیرا هم ستاره‌ی شش گوش و هم صلیب شکسته مورد تقدیس ماسون‌ها هستند. در واقع ریشه‌های نازیسم و یهودیت صهیونیستی یکی است و نه تنها این دو حرکت شوم هیچ تضادی با هم ندارند، بلکه در خدمت یک‌دیگر نیز قرار دارند. این مسأله خود شاهدی بر رد هولوکاست است.

البته لازم به ذکر است که بعد از جنایات هیتلر اکثر گروه‌های ماسونی به منظور پرهیز از بدنامی، استفاده از چلیپای شکسته را کنار گذاشتند؛ این در حالی است که قبل از جنگ جهانی دوم، علامت چلیپای شکسته یک علامت کلیدی در فراماسونری بوده است.

(ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که هیتلر نیز ماسون بوده است، اما تحرکات نظامی‌اش برخلاف مصالح فراماسونری بوده و منجر به مقابله‌ی بقیه‌ی ماسون‌ها با وی شده است).

۵) جمجمه و استخوان.

علامت و رمز گروه مخفی(ماسونی)

۶) عدد ۶۶۶ نماد دجال یا ضد مسیح یا شیطان.

گاهی به صورت FFF هم این عدد را نشان می‌دهند. چون حرف F، ششمین حرف انگلیسی است.

۷) عدد ۱۳.

عدد مقدس ماسون‌ها و یهودیان است. در حالی که مسیحیان آن را نحس می‌دانند. فراماسون‌ها در بسیاری از نمادهای خود، تعداد اجزاء را ۱۳ قرار می‌دهند. به عنوان مثال در تصویر راست، ستاره‌ی شش گوش را با ۱۳ ستاره‌ی کوچک کشیده‌اند. در شکل وسط، ۱۳ دست گوشه‌های یک شکل ۱۳ دندانه را گرفته‌اند. در تصویر سمت چپ هم که مربوط به چنگ یک الهه‌ی باستانی، است و متعلق به یک گروه ماسونی می‌باشد، تعداد تارها ۱۳ عدد می‌باشد.

ستاره ۶ گوش متشکل از ۱۳ ستاره کوچک ۱۳ دست و ۱۳ دندانه ۱۳ تار چنگ الهه باستانی

۸) عدد ۳۳.

همان طور که گفتیم در فراماسونری، صاحب درجه‌ی ۳۳ بالاترین قدرت را داراست.

در سمبل بسیاری از گروههای ماسونی از جمله در علامت مربوط به یک گروه ماسونی شهر Memphis آمریکا (که نام شهر باستانی مصر را برخود نهاده اند)، عدد ۳۳ بکار رفته است.

ذکر یک نکته‌ی مهم: بعد از ذکر علامات و اعداد مورد استفاده در فراماسونری، ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که برای تطبیق علامت‌های مذکور بر گروه‌ها و افراد، باید همواره با احتیاط برخورد کرد.

زیرا در بعضی از مواقع، علامت‌ها و لوگوهای بعضی از شرکت‌ها و سازمان‌ها در نقاط مختلف جهان، شبیه به علامت‌های فراماسونری هستند، اما همواره نمی‌توان به این سازمان‌ها برچسب ماسونی بودن زد.

برای مثال بسیاری از شرکت‌ها و کانال‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای از نماد چشم در لوگوی خود استفاده می‌کنند که این چشم، نماد بیننده و مخاطب تلویزیونی است و این مطلب کاملاً منطقی و قابل فهم است. بنابراین در این حالت، چشم موجود در لوگوهای مذکور، نشان دهنده‌ی ماسونی بودن این کانال‌ها نیست. هم‌چنین چشم پزشکی‌ها و عینک سازی‌هایی که در تبلیغات خود از علامت چشم استفاده می‌کنند نیز ماسونی نیستند، چرا که حرفه‌ی آن‌ها در ارتباط با چشم می‌باشد. از سوی دیگر در بعضی از تصاویر هنری و معماری، ممکن است در اثر روی هم افتادن خطوط، تصاویر متعددی شبیه به ستاره‌ی شش گوش و ستاره‌ی پنج گوشه‌ی معکوس پدید آید که این تصاویر نیز غیرعمدی بوده و نشان دهنده‌ی فراماسون بودن معماران این بناها نیست.

در هر حال باید این مطلب را همواره به یاد داشت که صرف دیدن یک علامت شبیه به علایم ماسونی، نباید سریعاً به افراد و سازمان‌های مرتبط با علامت، برچسب ماسون بودن زد و برای رد یا تأیید این مسأله، باید تحقیقات بیشتری انجام داد.

اهداف فراماسونری

۱ – نابودی تمام مظاهر توحید و یکتاپرستی در جهان.

۲ – به دست گرفتن حکومت و قدرت در تمام کشورهای جهان از طریق شبکه‌ی گسترده‌ی ماسونی در تمام ممالک دنیا.

۳ – تخریب مسجد الاقصی و کشف معبد سلیمان و بازسازی آن در ابتدای قرن ۲۱.

عکس یادگاری ماسون‌ها در کنار ماکت سومین معبد کذایی سلیمان. ماسون‌ها آرزوی ساختن چنین معبدی را در سر می‌پرورانند و برای تحقق آن , گام‌های بلندی برداشته‌اند.

۴ – پرکردن معبد سلیمان از بت‌ها و نمادهای ماسونی به عنوان اصلی‌ترین پرستشگاه ماسونی.

۵ – برقراری حکومت جهانی شیطانی به پایتختی معبد سلیمان در اورشلیم (بیت المقدس).

۶ – به حکومت رساندن قدرتمندترین فراماسون با عنوان نمادیین ضد مسیح (دجال) در ابتدای قرن ۲۱.